

طبقه متوسط جدید و بسیج منابع رای دهی در ایران (۱۳۹۶-۱۳۷۶)

محمدباقر خرمشاد*

فاضل کرد**

چکیده

طبقه متوسط جدید، نیروی اجتماعی شهر گرا، دانشگاهی و مشارکت جویی است که در یک پروسه شکل گیری، در بدنه دولت یا خارج از آن، به مرکز ثقل تحولات سیاسی - اجتماعی تبدیل شده است. پرسش پژوهش آن است که، بسیج منابع رای دهی از سوی طبقه متوسط جدید در امر مشارکت انتخاباتی (۷۶-۹۶) در ایران چگونه بوده است؟ فرضیه و یافته های پژوهش نشان خواهد داد که این گروه مدعی قدرت و چالشگر سیاسی، برای رسیدن به منابع حاکمیت، از ابزارها و شیوه هایی همچون رسانه های جمعی، احزاب و تشکل های سیاسی و گفتار سیاسی رهبران استفاده کرده است. طبقه متوسط جدید در چارچوب کنش جمعی با متحدین فکری خود دست به ائتلاف زده و منابع خود را در جهت نفوذ بر دولت و حاکمیت بسیج می کند. این مقاله می کوشد که با استفاده از نظریه بسیج منابع چارلز تیلی و با روش تاریخی، در محدوده زمانی معین و از طریق یافته های ثانوی به سوال پژوهش پاسخ دهد.

کلیدواژه ها: طبقه متوسط جدید، مشارکت سیاسی - انتخاباتی، بسیج منابع، کنش جمعی، جامعه شناسی تاریخی.

*استاد علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی تهران، (نویسنده مسؤل)

Mb.khorramshad@gmail.com

**دانشجوی دکتری جامعه شناسی سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی تهران. hoseinbesharat@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۷/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲۳



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies).
This is an Open Access article distributed under the terms of the **Creative Commons Attribution 4.0 International**, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

۱. مقدمه

از آنجا که اغلب پدیده های اجتماعی دارای ریشه های تاریخی می باشند، لذا نیازمند شناخت تاریخی نیز خواهند بود، از این رو بررسی تحولات سیاسی و اجتماعی، ضرورتی غیر قابل اجتناب برای پژوهشگران در حوزه سیاست و جامعه شناسی سیاسی است. مروری به تحولات سیاسی و اجتماعی نشان می دهد که گسترش کمی و کیفی تحصیلات و تخصصی شدن امور، سبب طرح خواسته های جدید در قالب قانون گرای، دموکراسی، و حقوق شهروندی می شود. بنابر این، خواسته ها و مطالبات، اساس کنش جمعی و آرایش سیاسی در مشارکت انتخاباتی و بسیج رای دهی خواهد بود. در این میان و از بین طبقات اجتماعی، طبقه متوسط جدید زمینه های شکل گیری جوامع مردم سالار را هموار نموده و نقش آگاهی دهنده، جهت دهنده فکری و انتقال دهنده مطالبات مردمی را به عهده خواهد داشت. این طبقه با داشتن ابزارهای بسیج منابع (رسانه های همگانی و شبکه های اجتماعی، احزاب و تشکل های سیاسی، و رهبران و تولید کنندگان گفتار سیاسی) پایگاه گذار به سمت مردم سالاری بوده است.

مروری تاریخی به پژوهش های پیشین نشان می دهد که در یک صدساله گذشته، طبقه متوسط جدید مرکز ثقل و نیروی عمده تحولات سیاسی- اجتماعی در ایران بوده، است. بنابراین با توجه به داده های نظری، پروسه شکل گیری آن با نهضت مشروطه آغاز، و بازیگر و زمینه ساز جنبش ملی نفت و انقلاب اسلامی بوده است، طبقه متوسط جدید، زمینه ساز نوسازی در دهه هفتاد و نیروی اثر گذار در بسیج منابع و مشارکت انتخاباتی در دولت اصلاحات بود.

مقاله حاضر می کوشد، با هدف نقش طبقه متوسط جدید در فرایند بسیج منابع، و استفاده از نظریه بسیج منابع چارلز تیلی، به این سوال پاسخ دهد که، بسیج منابع رای دهی از سوی طبقه متوسط جدید در امر مشارکت انتخاباتی (۷۶-۹۶) در ایران چگونه بوده است؟ سوال مطرح شده در واقع، تطبیق یک نظریه با یک موضوع می باشد، که در آن به نقش برجسته کنشگران و هدایت گران در دل طبقه متوسط جدید توجه شده است. بنابراین سبک رای دهی، سبک جدیدی از مشارکت سیاسی و اقدامی در جهت وفاداری شهروندان به نظام سیاسی تلقی می شود. در این سبک رای دهی، به مفاهیمی همچون منافع گروه های کنشگر و مدعی قدرت، عناصر موثر بر کنش جمعی و چگونگی فرایند بسیج منابع توجه می شود. با این روند می توان گفت که طبقه

طبقه متوسط جدید و بسیج منابع رای‌دهی در ایران (۱۳۹۶-۱۳۷۶) ۳

متوسط جدید برای رسیدن به منافع خود، دارای نقشی نوسان‌گونه (قبض و بسط) در کنش جمعی بوده است. بنا براین، طبقه متوسط جدید با فرصت سیاسی و با استفاده از ابزارها بسیج منابع (رسانه‌های جمعی، احزاب و تشکل‌های سیاسی و رهبری سیاسی) بر مقوله کنش جمعی و مشارکت انتخاباتی تاثیر گذاری خود را نشان داده است.

روش تحقیق در این پژوهش، روش تاریخی با رویکرد توصیفی است، که علاوه بر توصیف و تحلیل و تبیین پدیده‌های اجتماعی و داده‌های تاریخی، بر این امر استوار است که ماهیت و ابعاد پدیده‌های اجتماعی بر اساس درک روابط، منابع شاهد، یافته‌های مورد مشاهده، در قالب سیر تحول زنجیره‌ای خواهد بود. بنابراین روش تاریخی (Historical) شامل مطالعه، درک و شرح رویدادهای گذشته و رسیدن به نتایج مربوط به علل، تاثیرات یا روند رویدادهای گذشته است، چرا که به روشن شدن رویداد های کنونی و پیش‌بینی وقایع آینده کمک می‌نماید. به عبارتی برای رسیدن به واقعیت های موجود، در پی یافتن داده‌های موجود در یک پژوهش و رسیدن به نتایج قابل دفاع در فرضیه‌های تحقیق است. این نوع روش تحقیق با بررسی کتابخانه‌ای، بر فهم عمل و کنش جمعی، قابلیت بازسازی عینی و نقش عنصر آگاهی و اخلاقی در یک پژوهش اجتماعی تاکید خواهد داشت.

۲. پیشینه پژوهش

بررسی سوابق پژوهشی موجود نشان می‌دهد که در بیشتر پژوهش‌های انجام شده در حوزه مشارکت انتخاباتی، بر رفتار رای‌دهی مشارکت‌کنندگان و عوامل موثر بر کاهش یا افزایش مشارکت متمرکز بوده است. بنابراین رفتار رای‌دهی به نوعی وابسته به شیوه تاثیر گذاری بسیج منابع بر مشارکت انتخاباتی است. در مورد پیشینه پژوهش حاضر، با عنوان طبقه متوسط جدید و بسیج منابع رای‌دهی در دو دهه اخیر (۷۶-۹۶) در ایران، پژوهش مستقیمی صورت نگرفته است، بلکه عمده محتوای پژوهش‌های پیشین، مربوط به عوامل تاثیر گذار جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و شخصیتی بر چگونگی رای‌دهی افراد بوده است. بنابراین این مشارکت انتخاباتی تحت تاثیر عوامل مختلفی قرار داشته، که در هر مقطع زمانی نوع خاصی از رفتار رای‌دهی را ایجاد کرده است.

در پژوهشی با عنوان "بسیج منابع در انقلاب اسلامی" عباس کشاورز شکری و احسان فرهادی (۱۳۹۰) به شناسایی فرایند بسیج منابع در انقلاب اسلامی پرداخته شده، که در آن به منافع گروه های مختلف و مدعی قدرت، فرایند کنش جمعی، سازمان ها و چگونگی فرایند بسیج اشاره شده است. نویسندگان فوق، فرایند بسیج در انقلاب اسلامی را از آن جهت مهم تلقی کرده اند که اراده و نقش رهبران، ایدولوگ ها و کنشگران انقلابی در آن انکار ناپذیر است. این نویسندگان در پژوهش دیگری با عنوان "تحلیل مقایسه ای بسیج منابع در انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی ایران (۱۳۹۳)" فرایند بسیج منابع را در دو انقلاب مقایسه، و از مفاهیمی نظری همچون منابع بسیج، منافع گروه ها، سازماندهی و کنش جمعی در روند مقاله استفاده نموده اند. داده های آنان در پژوهش فوق، تفاوت دو انقلاب در ایدولوژی بسیج و رهبری آنان بوده، که گروه های مدعی کسب قدرت در پی آن بوده اند.

در پژوهش دیگری با عنوان انتخابات ریاست جمهوری، مدلی نظری برای تبیین پیروزی یک کاندیدا با سایر رقبا (قیصری و دیگران ۱۴۹۶) که در پی ارائه الگویی نظری برای تبیین و توضیح چرایی پیروزی یک کاندیدا بر سایر رقبا بوده اند. این نویسندگان بر فاکتور مهم بسیج منابع در سرنوشت انتخابات تاکید نموده و موفقیت و ناکامی بسیج منابع را عامل پیروزی یا شکست در عرصه سیاسی می دانند، به عبارتی تعیین کننده ترین عامل تاثیر گذار بر مشارکت سیاسی را رفتار رای دهی و بسیج منابع می دانند.

در پژوهش دیگری که مرتبط با ابزار بسیج منابع در مشارکت انتخاباتی است، شیخ الاسلامی و عسگریان (۱۳۸۸) با عنوان "سازه انگاری، رسانه ها و رفتار انتخاباتی در ایران" بر این فرضیه استوار است که رفتار انتخاباتی در ایران، مبتنی بر "عقلانیت محدود" است و رسانه ها از طریق شکل دهی به هویت و نگرش فردی و جمعی بر مشارکت انتخاباتی تاثیر گذار می باشند. به عبارتی رسانه ها به عنوان ابزار بسیج منابع، شهر وندان را تشویق و ترغیب به مشارکت می نمایند (شیخ الاسلامی و عسگری، ۱۳۸۸) بر همین رویه، شهرام نیا و همکاران (۱۳۹۶) به تاثیر متقابل و معنا دار شبکه های مجازی و مشارکت انتخاباتی تاکید کرده و بر این باور می باشند، که هر چه گرایش سرمایه های اجتماعی به شبکه های مجازی بیشتر شود، گرایش به سمت مشارکت بیشتر خواهد شد (شهرام نیا و همکاران ۱۳۹۶، ۲۶ - ۳۰) در پژوهش مرتبط دیگری در این زمینه با موضوع "بنیان های نظری رفتار انتخاباتی شهروندان در

طبقه متوسط جدید و بسیج منابع رای دهی در ایران (۱۳۹۶-۱۳۷۶) ۵

جمهوری اسلامی " علی دارابی (۱۳۸۸) با نگاهی به عواملی همچون تجربیات قبلی، عناصری از فرهنگ سیاسی (خلقیات ایرانیان، بی اعتمادی سیاسی) کانون های مذهبی، احزاب و تشکل های سیاسی، گروه های مرجع، نهادهای غیر دولتی، مطبوعات و رسانه ها که هر یک به نوعی وابسته به نحله فکری طبقه متوسط جدید و ابزار بسیج منابع تلقی می شوند، تعیین کننده رفتار رای دهی شهر وندان می داند (دارابی ۱۳۸۸، ۲۹ و عنایتی شکلاپی ۱۳۹۳، ۲۱۹)

در پژوهش عبدالله عبدالمطلب (۱۳۹۱) با موضوع "تحلیل رفتار رای دهی در ایران" به بازیگری نقش عوامل بسیج گر در مشارکت انتخاباتی، همچون رسانه های جمعی، احزاب سیاسی و نقش گروه های مرجع توجه شده است.

از آنجا که بسیج منابع و امکانات انسانی، ایدولوژی و مادی در امر مشارکت انتخاباتی در نزد اندیشمندان دارای اهمیت است، بنابر این پژوهش حاضر در راستای گشودن افقی تازه در مطالعات مربوط به مشارکت انتخاباتی، بر موضوع طبقه متوسط جدید و بسیج منابع رای دهی در ایران متمرکز شده است. نوآوری پژوهش حاضر، ابزارها و شیوه های بسیج منابع (رسانه های جمعی، احزاب و تشکل های سیاسی، رهبران و هدایتگران فکری) می باشند که به عنوان عوامل انگیزشی، منابع اجتماعی و عوامل بسیج گر، شهروندان را تشویق و ترغیب به رای دهی انتخاباتی می نمایند و به عنوان منابع کنش جمعی و بسیج رای دهی دارای اهمیت زیادی می باشند.

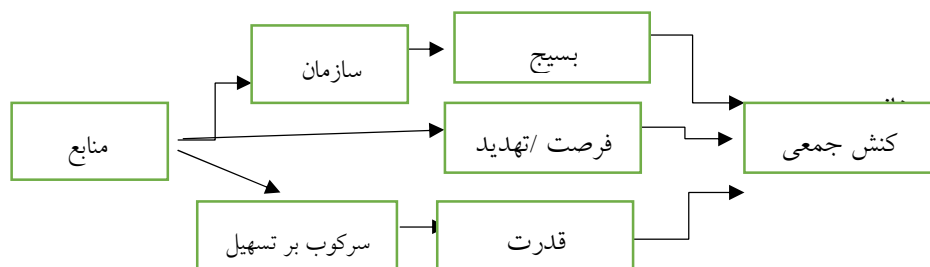
۳. مبانی و چهارچوب نظری

چارلز تیلی از جمله نظریه پردازان برجسته در حوزه کنش جمعی است که در تلاش است تا نظریه ای برای توصیف و تبیین کنش جمعی ارائه دهد. به باور او کنش جمعی در شکل ها و شیوه های گوناگون و با هدف ایجاد تغییر یا جلوگیری از تغییر در جامعه اتفاق می افتد. او منشا کنش اجتماعی را همانند مارکس و وبر در تضاد اجتماعی دانسته و فرآیند کنش جمعی را رهیافت سیاسی می داند. الگویی که تیلی برای مطالعه کنش متقابل میان گروه های مختلف و چگونگی شکل گیری عمل جمعی در بین گروه های رقیب یا ناراضی در نظر می گیرد، الگوی حوزه سیاسی نام داشته و شامل جمعیت گروهی از مردم، یک یا دو گروه مدعی، حوزه سیاسی، و یک یا چند ائتلاف میان نیروهای مختلف است. چارلز تیلی مدعیان قدرت را مدعیان عضو و چالشگرانی می داند که بیرون از دستگاه سیاسی قرار داشته و دسترسی به منابع

زیرسلطه حاکمیت را ندارند. این دو گروه برای پیشبرد مطالبات و خواسته های خود، دست به ائتلاف با سایر گروه ها زده، و سعی می نمایند که عمل جمعی را با سایر متحدین بالقوه خود هماهنگ سازند (تیلی، ۱۳۸۵، ۸۱) این گروه ها در دوره های خاصی، منابع جمعی خود را در جهت نفوذ بر دولت یا حاکمیت بکار می گیرند. گروه مدعی عضو (عضو دستگاه سیاسی) به قدرت حاکم دسترسی بدون هزینه به منابع دولتی دارا بوده و به عبارتی دعوی آنها در مبارزه با قدرت مشروع شناخته می شود (مشیرزاده، ۱۳۸۱، ۱۵۲)، اما برای گروه چالشگر، دسترسی به منابع تحت کنترل دولت برای آنان به سادگی مقدور نیست. تیلی بر این باور است، که اعمال رقابتی زمانی رخ می دهد که یک گروه اجتماعی بر منابعی دست می گذارند که مورد ادعای گروه های رقیب است.

برای درک پویایی و چگونگی شکل گیری عمل جمعی، الگوی عمومی حوزه سیاسی اکتفا نمی کند، از این رو، تیلی الگوی دقیق تری در نظر می گیرد که الگوی بسیج نام دارد و نخستین مفهوم در این الگو "منافع" است که شامل مجموعه انتظارات و منافع مشترک یک جمعیت می باشد. در اینجا تیلی در تعریف منافع، عوامل ساختاری را عامل پیش بینی کننده منافع در بلند مدت عنوان می کند و فصل بندی ذهنی کنشگران از منافع شان را عامل تعیین کننده علایق و منافع در کوتاه مدت می داند. مفهوم دوم الگو "سازمان" است که در واقع میزان هویت مشترک و ساختار وحدت بخش افراد در درون یک جمعیت می باشند. مفهوم سوم در الگو تیلی "بسیج" است که شامل منابع تحت کنترل یا در حال انباشت یک مدعی می باشد (مشیرزاده، ۱۳۸۱، ۱۵۲) در اینجا تیلی، کنترل و مهارت استفاده از منابع گروه را مهمتر از میزان این منابع می داند، چهارمین الگو تیلی کنش جمعی و پنجمین الگو او فرصت (یعنی رابطه منافع جمعیت و وضعیت موجود در جهان پیرامون است که شامل عناصر قدرت، سرکوب، فرصت یا تهدید یعنی میزان آسیب پذیری حکومت است) (تیلی، ۱۳۸۵، مشیرزاده، ۱۳۸۱، ۱۵۲-۱۵۳) بنابراین کنش جمعی محصول تعاملات رقابت آمیز گروه ها برای کسب قدرت است و مشارکت کنندگان پیوسته منابع جمعی خود را برای ورود به جامعه سیاسی یا ماندن در آن بسیج می کنند، تیلی معتقد است که منافع مشترک گروه، کنش جمعی را تضمین می کند زیرا چارچوب نظری تیلی، بیشتر در مقام توضیح فرایند کنش جمعی است (تیلی، ۱۳۸۵)

چارلز تیلی، متغیرهای الگوی بسیج خود را به صورت ذیل نشان می‌دهد.



(پناهی، ۱۳۸۹، ۳۴۰-۳۴۲)

چارلز تیلی بسیج منابع را کوششی برای دستیابی به هر منبعی از جمله منابع اجبار آمیز (نیروی مسلح) فایده مند (کالا، خدمات، اطلاع رسانی) هنجاری مانند وفاداری و تکالیف دانسته (تیلی، ۱۳۸۵، ۱۰۵) و انواع بسیج را تدافعی (تهدید از خارج) تهاجمی (فرصت پیش آمده) تدارکاتی (انباشت منابع) می‌داند (تیلی، ۱۳۸۵، ۱۱۱، ۱۱۳). تیلی بر این باور است که متغیرهای بخش اول مدل بسیج، به خودی خود، امکان توضیح فرایند کنش جمعی را ندارند، وی معتقد است، توان گروه مدعی قدرت برای کنش جمعی، بسته به میزان و مقدار منابع بسیج، و میزان کنش جمعی نیز تابعی از منابع مشترک، شدت و قدرت سازمان و بسیج منابع است (تیلی، ۱۳۸۵، ۱۲۸) تیلی در ادامه بحث خود، کنش جمعی را به کنش جمعی رقابتی اعتراضی / رقابتی واکنشی تقسیم می‌کند و باور دارد که در هر دوره و متناسب با شرایط آن دوره، نوع کنش جمعی متفاوت است، و در هر دوره ای، راه‌های بیشماری وجود دارند که مردم بتوانند برای رسیدن به هدف مشترک بکار گیرند. بر پایه اطلاعات تاریخی تیلی و همکاران، شرکت کنندگان در عمل جمعی نسبت به اعمال خود آگاهی داشته و با نیت قبلی در چنین فعالیت‌هایی شرکت می‌کنند. بنابراین در روش تاریخی تیلی، سعی بر آن است تا نقش آگاهانه و اخلاقی مردم برجسته شده و تشکیلات مستقل و منابع کافی پشتوانه تلاش آنان تلقی گردد. به عبارتی عوامل غیر ساختاری همچون استعداد سازماندهی رهبران و توان آنان در ایجاد ائتلاف‌های سیاسی، بهره‌برداری از همه امکانات موجود را اساس تحلیل قرار می‌دهند، تیلی با روش تاریخی - تطبیقی که در سنت جامعه‌شناسی از قدمت خاصی برخوردار است به دنبال فهم عمل جمعی است. با نظری اجمالی به مبانی نظریه بسیج منابع چارلز تیلی، می‌توان میزان تعمیم‌پذیری آن را در مورد کنش جمعی

و مشارکت سیاسی یا انتخاباتی در ایران را بررسی نمود، و به این نتیجه رسید که شکل‌نوسازی و ظهور دولت به سبک مدرن و تاثیر آن در عرصه‌های اجتماعی-سیاسی فرهنگی - اقتصادی راه را برای کنش جمعی در قالب مشارکت‌های سیاسی هموار می‌کند.

۴. منافع طبقه متوسط جدید در کنش جمعی، به مثابه گروه مدعی قدرت در بسیج رای‌دهی

از آنجا که زمینه‌های ظهور طبقه متوسط جدید در سایه فرایندهای نوسازی، مبنای کنش جمعی در دو دهه اخیر (۷۶-۹۶) در ایران بوده است، بنابر این شناسایی منافع این طبقه به عنوان گروه مدعی قدرت دارای اهمیت زیادی خواهد بود. بر همین اساس و با توجه به اهمیت منافع در دستگاه تیلی، منافع طبقه متوسط جدید در راستای جامعه مدنی، توسعه سیاسی، دموکراسی و مشارکت انتخاباتی خواهد بود.

۴-۱. جامعه مدنی

جامعه مدنی اصطلاحی است که برای اولین بار در قرن هفدهم توسط جان لاک، فیلسوف سیاسی انگلیسی بکار رفت و پس از دهه ۱۹۸۰ به شیوه‌ای جدی در جامعه شناسی سیاسی و علوم سیاسی مطرح گردید. جامعه مدنی به عنوان عنوان اراده‌آزاد انسانها با معیارهای مشترک و در کنار دموکراسی، یکی از منافع طبقه متوسط جدید در یک کنش جمعی مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است. نوع نگرش به جامعه مدنی از منظری است که نیروهای اجتماعی در تحولات سیاسی نقش تعیین‌کننده و هدایت‌گر داشته و اجزای آن را رسانه‌های عمومی و جمعی، نهادهای غیردولتی، انجمن‌ها و سازمان‌های مردمی تشکیل می‌دهند. هدف جامعه مدنی عبور از وضع طبیعی و پی‌گیری حق بشری است که در پی تفاهم و گفتگو، قرارداد اجتماعی و حمایت از اتحادیه‌های صنفی است، به نحوی که مشارکت شهروندان را در زمینه‌های بهبود شرایط اجتماعی مساعد می‌کند. در واقع جامعه مدنی حوزه‌ای از روابط اجتماعی و فارغ از دخالت مستقیم دولت و مرکب از نهادهای عمومی و گروهی است که در آن جامعه مدنی عرصه قدرت اجتماعی و دولت عرصه قدرت سیاسی و امرانه است (مک‌لین، ۱۳۸۱، ۱۳۰). بنابراین منظور از جامعه مدنی در ایران، نهادها و سازمان‌هایی می‌باشند که مدعی قانونمندی و قانون‌گرایی بوده و خارج از دایره قدرت متمرکز، در

باره موضوعات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و در یک حوزه عمومی و بدون دخالت دولت، پی‌گیر مطالبات و خواسته‌های خود می‌باشند. جامعه مدنی در دایره بحث چارلز تیلی، مجموعه نهادها، انجمن‌ها، و تشکیلات اجتماعی است که نقش تعیین‌کننده‌ای در صورت بندی قدرت دارد. بنابراین هر چه ساختار جامعه مدنی گسترده‌تر، و دموکراسی مستحکم‌تر باشد، حوزه فعالیت دولتی محدودتر خواهد بود. جامعه مدنی برای پیشبرد منافع مشترک، از طریق عمل جمعی و خارج از نهاد‌های رسمی تلقی شده و بر جنبش‌های مدنی و بر قوانین اثر گذار، و با اهداف ایجاد تغییر یا ممانعت از تغییر در جامعه اتفاق می‌افتد (تیلی، ۱۳۸۵، ۱۷) بنابر بر نظریه تیلی و تعاریف جامعه مدنی، همگام با رشد شهرها بر اثر صنعتی شدن، و پیدایش نظم و فنون پیشرفته و نیز گسترش نظام‌های اقتصادی جدید، مفهوم جامعه مدنی در تقابل با مجتمع‌های خویشاوندی قرار گرفت. (حجاریان، ۱۳۷۹، ص ۵۷) که در آن کارگزاران جامعه مدنی، طبقات و گروه‌ها و جنبش‌های اجتماعی، نهادها، سازمانها و گروه‌های فشار، به دور از دسترسی دولت درباره موضوعات سیاسی-اجتماعی، اقتصادی و ایدئولوژی به نزاع می‌پردازند (بشیری، ۱۳۷۴، ۳۳۲)

در جامعه مدنی سخن بر سر آن است که چگونه می‌توان قدرت متمرکزی را محدود کرد؟ نقش تشکل‌های مدنی در تحکیم و تثبیت دموکراسی و توزیع قدرت اجتماعی و سیاسی چگونه است؟ و به چه میزان موثر است؟ بنابراین اگر ابزارهای نظارت در عصر حاضر را، روزنامه‌ها، احزاب، انجمن‌های صنفی معترض در نظر بگیریم، عبدالکریم سروش آنها را به منزله سپرهای محافظی میان آدمیان می‌داند که آنها را در مقابل تجاوز حفظ می‌کند (سروش، ۱۳۷۷، ۱۳۵-۱۲۸)

اصلاح طلبان تجدیدنظر طلب، به پیروی از نوگرایان دینی، جامعه مدنی را ابزاری برای پلورالیسم سیاسی و ویژگی‌های دینی نظام، تلقی می‌کردند. (پیمان، ۱۳۸۴) بنابراین عنصر اساسی جامعه مدنی در فرد مستقل است، که باید با آزادی کامل بتواند با افراد و جامعه وارد کنش متقابل شده و بر مبنای دموکراسی به تنظیم قانون بپردازد. (پیمان، ۱۳۸۰، صص ۳۲-۳۵) از این نگاه، ارزش‌ها و شاخص‌های جامعه مدنی به عنوان منافع طبقه متوسط جدید شامل مشارکت سیاسی، پاسخگویی دولت و سیاست‌های عمومی است، که زمینه ساز و بستر ساز دموکراسی یا مردم سالاری خواهد بود. بنابراین این با توجه به مفهوم جامعه مدنی از منظر اندیشمندان، جامعه مدنی به عنوان یکی از

منافع طبقه متوسط جدید در کانون توجه تحلیل گران قرار گرفت و بررسی رابطه جامعه مدنی با جامعه دینی به موضوع محوری تحلیل گران تبدیل شد.

۴-۲. توسعه سیاسی

توسعه سیاسی یکی دیگر از منافع طبقه متوسط جدید در کنش سیاسی است، که از طریق مشارکت سیاسی بدست می آید. این مفهوم از مفاهیم جامعه شناختی است که افراد و احزاب توانمند در پی افزایش و کارایی یک نظام سیاسی مستقل و انعطاف پذیر از طریق حل و فصل تضادهای اجتماعی می باشند. در همین چارچوب، چارلز تیلی معتقد است که هر پروسه و رویداد سیاسی در یک بستر تاریخی روی می دهد و فهم این رویدادها در این روند اهمیت بسزایی دارد، لذا در هر دوره ای متناسب با آن دوره، نوع کنش جمعی متفاوت خواهد بود. (تیلی، ۱۳۸۵) از این نگاه، هر پدیده سیاسی مانند دموکراسی، توسعه سیاسی، انتخابات و مشارکت سیاسی امری تاریخی محسوب می شود.

در ایران پس از انقلاب، مفهوم توسعه سیاسی در بستر اجتماعی روند آهسته ای را طی نمود و از اواسط دهه هفتاد به صورت پر رنگ وارد ادبیات سیاسی و عرصه عمومی گشت. مطرح شدن مفهوم توسعه سیاسی از سوی طبقه متوسط جدید، راه را در جهت گسترش احزاب و تشکلها و نهادهای مدنی هموار نمود و آسیب پذیری و نقد، در بستر اجتماعی و سیاسی اهمیت یافت. در ادامه این فرایند طبقه متوسط جدید به دلیل تاکید بر مولفه هایی همچون آزادی، توسعه سیاسی، مشارکت سیاسی، جامعه مدنی، قانون گرایی، تاکید بر رسانه های همگانی، انتخابات و حقوق شهروندی، بیشترین نقش را در روند توسعه سیاسی ایفا کرده است. بنا براین توسعه سیاسی از این منظر، فرصتی به شمار می رفت که نظام سیاسی با ظرفیت و فضای مناسب، موظف به پاسخگویی به نیازهای جامعه خود باشد. نگاهی که گرایش فکری را به سمت تقویت و توسعه احزاب، کانون های صنفی، انجمن های علمی، توجه به محیط زیست هدایت نمود، و به تقویت جامعه مدنی، گسترش رقابت و مشارکت سیاسی منجر شد.

مشارکت انتخاباتی و گسترش بسیج منابع از سوی طبقه متوسط جدید، دولت های وابسته به این طبقه را وادار نمود که از این فرصت به گسترش مطبوعات، تکثیر احزاب سیاسی، سازمان های مردم نهاد، گسترش ارتباطات، گسترش فضای نقد و انتقاد، و

تقویت جامعه مدنی همت گمارد. بنابر این دولت در اولین اقدام، محور توسعه سیاسی را به سمت تحول کمی و کیفی در مطبوعات هدایت نمود، و تعداد عناوین نشریات را در پایان دوره اصلاحات به ۲۸۱۷ عنوان رساند (مرکز آمار ایران، سالنامه آماری ۱۳۸۶) از آنجا که مردم سالاری و توسعه سیاسی، نیازمند وجود احزاب و تشکل های سیاسی است، لذا دولت های مستقر و وابسته به طبقه متوسط جدید در دودهه اخیر (۷۶-۹۶)، به تقویت احزاب سیاسی، به عنوان بخشی از پروژه جامعه مدنی توجه نمودند. در ادامه این روند، آرایش نیروهای سیاسی و شکاف میان جناح های درونی نظام سیاسی، خود را در قالب رقابت جناحی و به صورت اصلاح گرا و اصول گرا نشان داد (خواجه سروی، ۱۳۸۲، ۲۴۰-۲۳۹) و رقابت و مشارکت سیاسی تقویت گردید. بنابراین هدف توسعه سیاسی در ایران پس از دهه هفتاد، توزیع قدرت اجتماعی و سیاسی، و رقابت میان مدعیان قدرت در جهت کسب قدرت و سهم شدن در قدرت و قرائت دیگری از نگاه به دین بود.

۴-۳. دموکراسی و مشارکت انتخاباتی

دموکراسی رژیم سیاسی و فلسفه اجتماعی است که بیش از هر رژیم یا فلسفه، گوناگونی عقاید را می پذیرد و در آن جایجایی قدرت سیاسی از راه مسالمت امیز صورت می گیرد (عالم، ۱۳۸۸..ص ۲۹۶) به عبارتی دیگر، دموکراسی شکلی از حکومتی پاسخگو است که در آن برابری سیاسی، توزیع قدرت اجتماعی و سیاسی، اتکا به رای اکثریت، رقابت و مشارکت سیاسی، مشروعیت نظام سیاسی و حاکمیت مردم و حق انتخاب حکام در آن دیده می شود و رقابت و نظارت در آن مشهود است. از آنجا که بروز و ظهور گفتار های سیاسی و اجتماعی، در میان اقشار گسترده از جمله طبقه متوسط جدید تسری بیشتری یافته است، بنابراین بررسی ها نشان می دهد که میان مشارکت سیاسی افراد و طبقات اجتماعی که به آن تعلق دارند، ارتباط معناداری وجود دارد. بر همین اساس، چارلز تیلی در کتاب دموکراسی (جامعه شناسی تحولات دموکراتیک) به شناسایی فرآیند های دموکراسی در سطح جهانی و ملی می پردازد و فرایند های عمده گذار به دموکراسی را الحاق شبکه های اعتماد به سیاست های عمومی، محافظت سیاست های عمومی از نابرابری های گروهی و سرکوب مراکز قدرت نام می برد. او معتقد است که آینده دموکراسی و افزایش یا

کاهش دموکراسی، عموماً بر اساس روند حرکت فرایندهای سه گانه فوق تعیین می شوند. روش تیلی در اعلام اثر گذاری فرآیندهای فوق، نوعی جامعه شناسی تاریخی است، که فرآیندهای جانبی همچون توانایی دولت ها، روند این حرکت ها را تقویت یا تضعیف می کند. بنابراین علت تکوین دموکراسی یا علل موثر در دموکراسی، حضور نخبگان سیاسی دموکرات در حکومت و میزان آمادگی حکومت در دادن امتیاز به علاقمندان به دموکراسی است. (جلایی پور، ۱۳۸۳، ۱۹۱-۱۹۹) از آنجا که مشارکت انتخاباتی، مولفه مهم دموکراسی، تبلور حاکمیت مردم و یکی از مهمترین منافع طبقه متوسط جدید به شمار می رود، بنا بر این رفتار سیاسی و آزادی اراده در مشارکت انتخاباتی، دارای اهمیت اساسی است. در این میان، طبقه متوسط جدید از جمله طبقاتی است که رفتار سیاسی و مشارکت سیاسی آن، در روند دموکراتیک اهمیت یافته و در دو دهه اخیر (۹۶-۷۶) نقش مهمی را در رویدادهای سیاسی-اجتماعی و جابجایی ارام قدرت بازی نموده است. طبقه متوسط جدید بزرگترین گروه یا طبقه در میان طبقات اجتماعی محسوب می شود که به دلیل آگاهی سیاسی و اجتماعی قادر به جذب و جلب توده ها و جهت دهی فکری و سیاسی به آنان است.

طبقه متوسط جدید با ویژگی هایی همچون نوگرایی، باسوادی، شهر نشینی، و پایگاه اجتماعی شغلی، دارای روحیه ای تحول خواه در میان دیگر طبقات اجتماعی می باشد، که مشتاق سبک زندگی جدید، نگاه انتقادی، میزان استفاده از رسانه های همگانی، قدرت بسیج، منابع انسانی و ایدئولوژی بر خوردار بوده است، به همین دلیل دموکراسی و مشارکت انتخاباتی به عنوان یکی از منافع آنها در کنش جمعی تلقی می شود در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز، مولفه های مردم سالاری، برای مشارکت مردم در امور عمومی از طریق انتخابات و همه پرسی در اصول ۱۰۷، ۱۱۴، ۶۲، ۸۷، ۱۳۷ شمرده شده، و شامل انتخاب رهبری، انتخاب ریاست جمهوری، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، خبرگان رهبری و رسمیت یافتن دولت می باشد. قانون اساسی محدودیت دوره زمامداری را ذکر نموده و مسئولیت سیاسی زمامداران را مشخص نموده است، بنابراین در فاصله زمانی (۹۶-۷۶)، مفاهیم و مقوله هایی چون عقلانیت، قانونمندی، آزادی بیان و اندیشه، نقد و گفتگو، با جهت دهی فکری طبقه متوسط

طبقه متوسط جدید و بسیج منابع رای‌دهی در ایران (۱۳۹۶-۱۳۷۶) ۱۳

جدید حداقل در شعار وارد ادبیات سیاسی و فرهنگ سیاسی ایران گردید و در فراز و فرود مردم سالار دخیل بوده است.

۵. مهم‌ترین ابزارها و شیوه‌های بسیج منابع رای‌دهی طبقه متوسط جدید

در این قسمت از مقاله به این نکته خواهیم پرداخت که فعالان طبقه متوسط جدید به عنوان گروه مدعی قدرت، از ابزارها و شیوه‌هایی از جمله رسانه‌های جمعی، احزاب و تشکل‌های سیاسی، رهبران و هدایتگران گفتارهای سیاسی در راستای بسیج منابع رای‌دهی استفاده نموده است. بنابر این ابزارهای بسیج منابع از سوی طبقه متوسط جدید عبارتند از

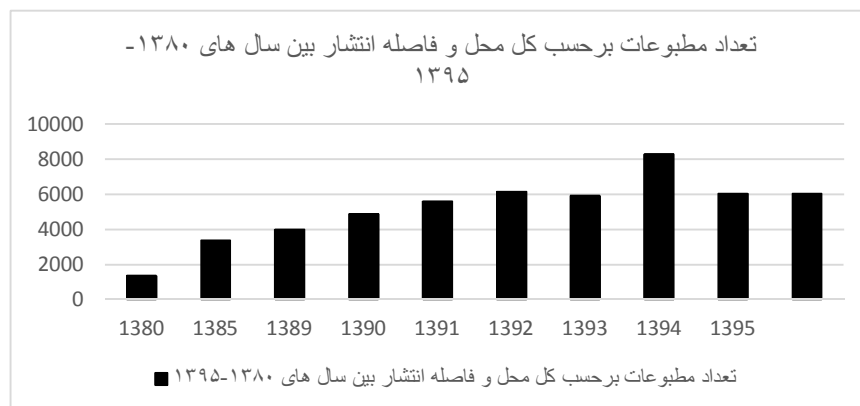
۵-۱. رسانه‌های جمعی

در جهان امروز، رسانه‌ها به ابزاری در خدمت کنش‌های جمعی در آمده و ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. رسانه‌ها جمعی کانال ارتباطی بین شهروندان و دولت بوده که نقش تعیین‌کننده‌ای در مشارکت‌های همگانی و جهت‌دهی به افکار عمومی را دارا می‌باشند، چرا که از طریق همین رسانه‌ها است که شهروندان به آگاهی رسیده و نقش اساسی در اطلاع‌رسانی، آگاهی‌بخشی و بسیج‌گری اجتماعی، و سیاسی را بر عهده دارند. این رسانه‌ها، افکار و عقاید و نگرش‌های جدید را در میان افراد جامعه پخش می‌کنند و سبب تحول و تغییر در جوامع انسانی می‌شوند. به عبارتی دیگر، رسانه‌های جمعی، ابزارهایی می‌باشند که از طریق آنها، افراد با جماعت کثیر یا توده‌ای از مردم به طور یکسان دسترسی داشته و شامل رادیو، تلویزیون، سینما و... هستند (دادگران، ۱۳۷۴، ۳۰) در همین زمینه نیز، لرنر معتقد است که ارتباطات، زمینه‌ساز بسیج بوده و توسعه سیاسی را سامان می‌بخشد. لذا بین ارتباطات جمعی و مشارکت مردم در امر سیاسی و اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین با ورود رسانه‌های جدید به زندگی افراد، نوع جدیدی از روابط بین مردم شکل گرفته است، که تشکیل اجتماعات و ارتباطات جمعی، اطلاع‌رسانی و تبادل خبر و نظر از شناخته شده‌ترین کارکردهای این فضای مجازی است (روشندل اربطانی، ۱۳۹۴)، رسانه‌ها در

ابتدا به صورت رسانه های دیداری و شنیداری از جمله مطبوعات، رادیو و تلویزیون ظهور یافتند، اما رسانه های اجتماعی گونه ای از رسانه هستند که امکان ارتباط و برقراری با شماری فراوان از افراد را فارغ از محدودیت زمانی و مکانی فراهم می نمایند.

موضوع بسیج منابع، مهمترین موضوع مرتبط با مشارکت انتخاباتی و چگونگی منابع رای دهی در دو دهه اخیر (۹۶-۷۶) در ایران است، که در پرتو آن طبقه متوسط جدید و رهبران هدایتگر، ایده ها و برنامه های خود را متوجه اعتماد شهروندان از طریق رسانه های گروهی می نمایند. یکی از ابزارها و شیوه های بسیج منابع، رسانه های گروهی و همگانی و شبکه های اجتماعی است که به عنوان منبع شناخت مورد توجه قرار گرفته و مردم خواسته ها و مطالبات خود را از این طریق به اشتراک می گذارند. به عبارتی دیگر رسانه های گروهی و شبکه های اجتماعی مهمترین سرمایه اجتماعی تلقی می شوند که پیوند های اجتماعی را مستحکم، انگیزه های مشارکت را گسترش و میزان انفعال سیاسی را کاهش می دهند.

از آنجا که رشد جامعه مدنی، رشد دموکراسی و توسعه سیاسی، از طریق توسعه ارتباطات و رابطه آن با طبقه متوسط جدید امکان پذیر بوده است، لذا از رهگذر گسترش وسایل ارتباط جمعی و توسعه آنان در ایران پس از انقلاب، می توان به ارتباط وسایل جمعی با طبقه متوسط جدید و مشارکت سیاسی پی برد. بر مبنای امار و ارقام موجود، رسانه ها و وسایل ارتباط جمعی در نیم قرن اخیر و بخصوص در دو دهه اخیر (۷۶-۹۶) در ایران رشد و گسترش قابل توجهی داشته اند. براساس امار و داده های ثانویه، تعداد نشریات کشور از ۳۲۰ نشریه در سال ۱۳۶۵ به ۱۳۴۷ در سال ۱۳۸۰، و به طور کلی رقم مطبوعات در سال ۱۳۹۴ به ۸۲۸۷ رسیده است. همچنین تعداد روزنامه های کشور در سال ۱۹۹۶ به یک میلیون ششصد و پنجاه و در سال ۲۰۰۰، به سه میلیون و سیصد هزار نسخه رسیده است که برای هر هزار نفر در سال ۱۹۹۶ به ۲۶ شماره و در سال ۲۰۰۱ به ۵۳ نسخه افزایش یافته است (سالنامه امارای یونسکو ۱۹۹۹، ۱۹۴، ۲۷۳) بنابراین تعداد مطبوعات بر حسب محل و فاصله انتشار بین سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۵ به شکل منحنی ذیل خواهد بود



یافته ها و نظر سنجی های انجام گرفته، رقم استفاده از تلویزیون در سال ۱۳۷۴ به حدود ۸۰ درصد و میزان استفاده از مطبوعات به حدود ۴۳ درصد افزایش یافته است (به نقل از محسنی، ۱۳۷۹، ۱۵۰ و ۲۲۰ و شهریاری ۱۳۹۳) در این میان گرچه استفاده از این رسانه ها صرفاً برای طبقه متوسط نیست، اما می توان گفت، طبقه متوسط جدید عمدتاً یک پای ثابت استفاده از این رسانه ها بوده و از برنامه های فرهنگی و اجتماعی و سیاسی نهایت استفاده را برده است. از دیگر رسانه های وابسته به طبقه متوسط جدید، تعداد عناوین کتاب های منتشر شده است که در سال ۱۳۶۵ از ۳۸۱۲ عنوان به ۱۲۸۹۷ در سال ۱۳۷۵ و در دهه ۸۰ به ۵۳۵۷۰ و در سال ۱۳۸۹ به ۶۴۶۰۶ عنوان رسیده بود (www.farhang.gov.ir)

از میان وسایل ارتباط جمعی، به نظر می رسد که بیشترین کاربران استفاده کننده از روزنامه، مطبوعات، کتب، رادیو و تلویزیون و بخصوص برنامه های هنری، ورزشی و خبری، طبقه متوسط جدید بوده اند. وسایل دیگر رسانه ای همچون اینترنت و تلفن همراه نیز رشد چشمگیری در میان طبقه متوسط جدید داشته و کاربرد آنها در امر بسیج منابع و بسیج سیاسی و در امر مشارکت سیاسی ملموس است. بر مبنای سالنامه آماری ۱۳۹۲، طبقه متوسط جدید با تحصیلات عالی به نسبت به دیگر طبقات اجتماعی با سطح پایین تحصیلی از اینترنت بیشتری استفاده نموده اند، که بیش از ۹۵ درصد را شامل می شود (سالنامه آماری، مرکز آمار ایران، ۱۳۹۲) همچنین بر اساس داده های آماری مرکز آمار ایران در بخش فناوری اطلاعات و ارتباطات رقم استفاده خانوارهای

ایرانی از تلفن همراه، رایانه و دسترسی به اینترنت خانگی در محل سکونت روبه افزایش بوده که در امر مشارکت سیاسی و انتخاباتی تاثیر گذار بوده است.

جدول شماره یک؛ خانواده های کشور بر حسب برخورداری از فناوری اطلاعات و ارتباطات

۱۳۸۷ - ۱۳۹۵

1394		1392		1389		1387		شرح
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
%100	24299758	%100	22821770	%100	20286247	%100	18779479	کل خانوارهای کشور
67/98	23977109	5/97	22262811	13/96	19502822	07/94	17667020	خانوارهای دارای تلفن
36/57	13938943	87/45	10468407	22/35	7146171	17/30	5665902	خانوارهای دارای رایانه
47/55	13479815	8/37	8625067	4/21	4336567	2/18	3411499	خانوارهای با دسترسی به اینترنت محل سکونت

سالنامه مرکز امار ایران (بخش فناوری اطلاعات و ارتباطات ۱۳۹۵)

بنابر ارقام آماری ثانوی می توان گفت که رشد و گسترش وسایل ارتباط جمعی نسبت به گذشته، فرصتی را برای طبقه متوسط جدید فراهم ساخته است تا سبک زندگی، نوع نگرش در حوزه اندیشه، و رفتار خود را به موازات چنین تغییراتی، تغییر دهد. همچنین گسترش این وسایل ارتباط جمعی کمک نموده تا به طور مستقیم، اندیشه ها، و نگرش های دموکراتیک در ایران نیز گسترش یابد، امری که اندیشمندانی چون کاستلز، دیوید هلد و... نیز به این امر اذعان داشته اند که رشد وسایل ارتباط جمعی تلقی جدیدی از انسان نسبت به جهان اجتماعی، سیاست و جامعه را بوجود آورده است. لذا در جهانی که جایگاه اجتماعی هر فرد بر اساس قدرت وی در

دستیابی به اطلاعات جدید مشخص می‌شود، وسایل ارتباط جمعی ابزاری موثر برای ایجاد روابط دو طرفه میان افراد و گروه‌هایی بوده است که در نهایت تحکیم جامعه مدنی و بستر سازی را برای دموکراسی مهیا کرده‌اند. بنابراین با مبنا قرار دادن مدل تیلی در تحلیل کنش جمعی، می‌توان به نقش و تاثیر رسانه‌های جمعی در فرآیند‌های مدل بسیج منابع پی برد، و به این نتیجه رسید که تعامل شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های جمعی با مردم، به ظهور و تقویت عناصر تئوری بسیج منجر می‌گردد. رسانه‌ها به دلیل توانایی در جلب مخاطب و شکل‌دهی به افکار عمومی و بسیج منابع، فرصت‌ها و موقعیت‌های پیش‌آمده در بستر اجتماعی می‌باشند که به عنوان عنصر مداخله‌گر در امر مشارکت انتخاباتی دخیل می‌باشند. بنابر این از آنجا که در مفهوم بندی مدل تیلی، بسیج منابع تحت کنترل جمعی و مدعی قدرت اشاره دارد (تیلی، ۱۳۸۵، ۸۱) رسانه‌های جمعی با ایجاد فضای انتخاباتی و تشویق افراد به رای‌دهی و اثرگذاری در مشارکت، عمده‌ترین تحول درحوزه عمومی و رای‌دهی اجتماعی محسوب می‌شوند.

۵-۲. احزاب و تشکل‌های سیاسی

احزاب سیاسی و شکل‌گیری آنان، ارتباط تنگاتنگی با سیاست و مشارکت سیاسی دارند. احزاب سیاسی با سازمان‌دادن گرایش‌های سیاسی و اندیشه‌های فکری، عاملی در نزدیک شدن خرده‌گفتمان‌های فردی و اجتماعی در جامعه می‌باشند. به عبارتی احزاب سیاسی فرصت‌هایی را در اختیار صاحبان قدرت و منافع، در جهت ائتلاف و به منظور تداوم مشروعیت یا تداوم قدرت حکومت فراهم می‌کنند. حزب ماشینی است که به گردآوری مسائل جامعه پرداخته، و پس از تحلیل و دسته‌بندی به نهاد‌های تصمیم‌گیر (دولت و مجلس و...) عرضه می‌دارد (اخوان کازمی، ۱۳۷۸، ۱۰۴، ۱۰۳) هانتینگتون نیز با الهام از دو توکویل باور دارد که نظام سیاسی زمانی کارآمد است که از درجه بالای نهادینگی برخوردار باشد و نیروهای اجتماعی را که طی فرآیند نوسازی بوجود آمده‌اند به عنوان ابزار نهادی به سمت مشارکت سیاسی و سامان‌دهی آن هدایت می‌نمایند (بدیع، ۱۳۷۹، ۹۹، ۱۰۰) بنابراین، احزاب و تشکل‌های سیاسی، گرایش‌های فکری را از حالت فردی به سمت و سوی عمومی می‌کشاند و در جهت رسیدن به قدرت و یا سهم‌شدن در آن در حرکت می‌باشند.

احزاب در هر کشوری، کردار های سیاسی و اجتماعی خاصی را از خود نشان می دهند، و بر اساس منافع، وارد کنش جمعی یا فعالیت های سیاسی می شوند. از این رو است که ارتباط معنا دار و تنگاتنگی با سیاست و مشارکت سیاسی خواهند داشت. احزاب سیاسی ضمن سامان دان به اندیشه ها و نزدیک کردن گفتار های سیاسی به هم، از پراکندگی ارا جلوگیری می کنند. بنابر این می توان گفت که ارتباط مشارکت انتخاباتی و احزاب سیاسی نوعی رابطه دوطرفه میان دموکراسی و احزاب سیاسی را تداعی می کند.

در ایران پس از انقلاب، جریان های سیاسی چپ و لیبرال از صحنه رقابت سیاسی حذف شدند و رقابت انتخاباتی بین جریان های اسلام گرا بر سر چگونگی اداره کشور، موجب انشعاب آنان گردید. یارگیری و جناح بندی سیاسی در درون دایره قدرت و در درون گفتمان اسلام سیاسی، خود را به صورت راست، چپ و میانه رو و اخیرا به صورت اصلاح طلب، اصول گرا و اعتدال گر در پس از خرداد ۱۳۷۶ شکل تازه ای به خود گرفت. که در این نوع یارگیری سیاسی، بازی بازیگران شخصیتی بیش از بازی رسمی احزاب خود را نشان می داد. در واقع احزاب و تشکل های سیاسی، ابزار های بسیج منابع در جهت بسیج رای دهی، کسب قدرت و مشروعیت دهی به نظام سیاسی بوده اند

روی هم رفته در ایران پس از انقلاب، احزاب سیاسی و تشکل ها و جناح های سیاسی مختلفی پدیدار شدند که صورت بندی ایدئولوژی های سیاسی آنان و جریان های حامی رنگ و بوی دیگری داشت. در صورت بندی ایدئولوژی های طبقه متوسط جدید تا سال ۱۳۷۶، جریان های سیاسی و گفتمانی همچون اسلام گرایی شامل جریان راست (حزب جمهوری اسلامی، جامعه روحانیت، جمعیت دفاع از ارزش های انقلاب و انصار حزب الله) و جریان چپ (مجمع روحانیون، کارگزاران سازندگی، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و انجمن اسلامی دانشگاهیان) حضور فعال داشتند، که عناصری همچون مرجعیت دینی، مخالفت با غرب، ولایت فقیه و سنت گرایی در گفتار سیاسی جناح راست اشکار، و گاهی در میان چپ گرایان اسلام گرا و ایدئولوژی سیاسی ملی - مذهبی، سخن از جامعه مدنی، آزادی، قانون مداری و ارزش های ایرانی در چارچوب دایره قدرت مطرح می شد.

در دو دهه اخیر (۹۶-۷۶) در ایران، ایدئولوژی های سیاسی طبقه متوسط جدید صورت بندی دیگری یافت که خود را در دوره زمانی یاد شده به صورت اصلاح طلب،

اصول گرا، و اعتدال گرا در بستر اجتماعی نشان داد. این گونه صورت بندی سیاسی با قدرت یابی دولت دوم خرداد و تحولات پس از آن در میان طبقه متوسط جدید شدت بیشتری به خود گرفت. هسته های شکل گیری چنین خرده گفتمان هایی با منحل شدن حزب جمهوری اسلامی و انشعاب مجمع روحانیون از جامعه روحانیت شکل گرفت، در این گفتار سیاسی اصلاحات، با تشکیل احزابی چون جبهه مشارکت، دفتر تحکیم وحدت، و..... شکل گرفت که عمدتاً دارای خاستگاه طبقاتی از نوع طبقه متوسط جدید بودند، امری که در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۷۶ به اوج خود رسید. بنابراین اصلاحات برون آمده از دل طبقه متوسط جدید به دلیل تاکید بر توسعه سیاسی و جامعه مدنی و بازخوانی مدرن ارزش ها و با تکیه بر دموکراسی اسلامی سیاسی، حالتی گیرا در بین طبقات اجتماعی پیدا نمود

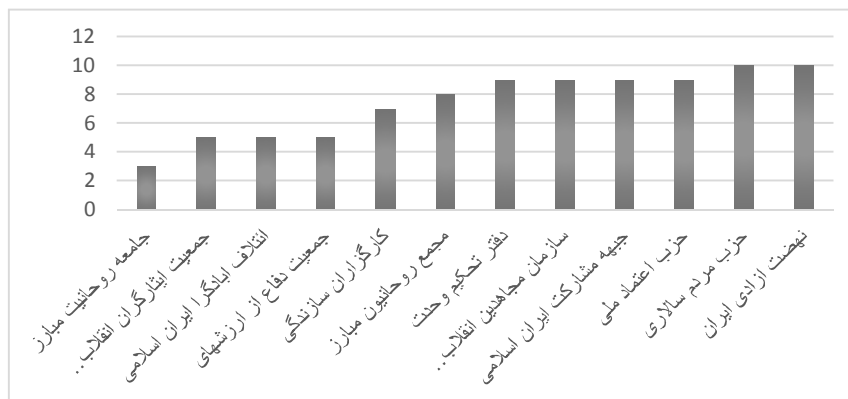
از نگاه دیگر در حالیکه که جریان اصلاحات فضای سیاسی کشور را در دست داشت، جریان سیاسی رقیب با جریان های جدیدی با نام جبهه متحد اصول گرایان و ائتلاف فراگیر شروع به احیای دوباره نمودند، هر چند پایگاه اصلی این حوزه فکری و جریان سیاسی، عمدتاً طبقات و قشرهای متوسط سنتی و پایین جامعه بودند، اما دارای خاستگاه های متنوعی در میان طبقه متوسط جدید بودند، که در سازماندهی و بازتولید ایدئولوژی کمک بسیاری نمودند. از احزاب و تشکل های سیاسی اصول گرا و وابسته به طبقه متوسط جدید، می توان از جامعه اسلامی مهندسين، احزابی چون آبادگران، ائتلاف برای ایران، جمعیت ایثار گران و..... را نام برد. بنابراین احزاب سیاسی، فرصت های سیاسی یا یارگیری سیاسی از بالا به پایین، و ائتلاف صاحبان قدرت هستند که نقش بسیج گر، ثبات دهنده و مشروعیت دهنده به نظام سیاسی را دارا می باشند. از نگاه دیگر، برخی بر آن هستند، که احزاب سیاسی در ایران پس از انقلاب، نه احزاب سیاسی کارکردی، بلکه تنها محافل دوستانه از افراد همفکر می باشند که دارای سابقه رفاقتی، دوستی، خویشاوندی و مبارزاتی مشترک می باشند (نیاکویی، ۱۳۸۸، ۲۰۴) بنابراین می توان گفت، که در دو دهه اخیر (۷۶-۹۶) در ایران، احزاب و تشکل های سیاسی به صورت هدایت شده، از طریق افراد صاحب منصب و با نفوذ دولتی شکل گرفته اند و جناح ها و جریان های سیاسی وابسته به آنان با تکیه بر همین جریان قدرت در مشارکت سیاسی- انتخاباتی فعال می شوند.

بر آنچه آمد، اگر شاخص هایی همچون مشارکت نهادی، سیاست فرهنگی باز، فعالیت احزاب و آزادی، تبادل فرهنگی، و توسعه خصوصی سازی را ملاک و معیار گرایش

احزاب به سمت دموکراسی یا گذار به آن تلقی نماییم، هر یک از احزاب و تشکل های سیاسی، نسبت به شاخص های فوق جهت گیری مثبت یا حالتی میانه داشته اند. بنابر این می توان پراکندگی گرایش سیاسی احزاب و تشکل های سیاسی، و کمینه و بیشینه هر یک را نسبت به مقوله دموکراسی یا مردم سالاری در ایران پس از انقلاب را به صورت نمودار میله ای شماره یک و شماره دو در ذیل نشان داد



نمودار ۳: کمینه و بیشینه گرایش سیاسی احزاب مختلف نسبت به مردم سالاری در سال های پس از انقلاب تا کنون



۳-۵. رهبری سیاسی و تولیدکنندگان گفتار سیاسی بسیج منابع

تولید کنندگان گفتار سیاسی بسیج منابع نیازمند رهبری سیاسی است، چرا که رهبری سیاسی تعیین کننده اهداف حرکت های جمعی یا کنش های جمعی بوده، و ضمن ترسیم جامعه مطلوب، وضع موجود را تحلیل و هواداران و زیر مجموعه های خود را در جهت امید به آینده متقاعد می نمایند. بنابراین هرگونه موفقیت یا ناکامی در کنش جمعی منوط به عواملی همچون رهبریت سیاسی، سازماندهی و بسیج منابع و محیط بین الملل خواهد بود. در این فرآیند، یکی از مهمترین شاخص های تاثیر گذار در امر بسیج سیاسی و منابع رای دهی در امر مشارکت سیاسی، نقش رهبران و هدایت گران در کنش جمعی و حوزه گسترش جامعه مدنی است. به عبارتی نقش هدایت گران و رهبران، مشوقی در جهت رسیدن به خواسته های سیاسی و مدنی و رسیدن به مطالبات است. احتمال پیدایش رهبران بسیج گر زمانی پیش می آید که شکاف های اجتماعی و اقتصادی در جامعه خود را بیشتر نشان می دهند و یا شکاف میان بخش سنتی جامعه و بخش نوآور نمایان شده است، و هر یک از بخش های اجتماعی هویت خاصی را پیدا می کنند (بشیریه، ۱۳۸۳) از نگاه دیگر، در نظر طرفداران رویکرد بسیج منابع، رهبران کارسالاران سیاسی هستند که منابع را فراهم و سازمان های را در پاسخ به انگیزه ها، مخاطرات و فرصت ها بنیان می نهند (Obersecholl, ۱۹۷۳, ۱۵۱) ضرورت ظهور رهبران بسیج گر، پیدایش فرصت های سیاسی - اجتماعی مسالمت امیز است که آنان بتوانند در پرتو آن به تحریک در عمل و کردار سیاسی کوشا باشند. لذا برای رسیدن به این امر، نیازمند ابزارها و تکنیک های موثر تشکیلاتی می باشند که بر هویت جمعی اثر گذار و مسیر حرکت مردمی را تعیین کنند. در این فرایند، منازعه برای کسب قدرت، رابطه اصلی بازیگران، برای کسب قدرت یا ماندن در قدرت خواهد بود، این منابع شامل تمام وسایل مادی و غیر مادی مانند منابع اقتصادی، منابع فرهنگی (ظرفیت های دانشگاهی و نخبگان) منابع رسانه ای (دیداری و شنیداری) منابع اجتماعی (ظرفیت های هنری و ورزشی، منزلتی و قومی، برای رسیدن به اهداف تشکیل می دهند. بنا بر نظر چارلز تیلی تغییر در اندازه منابع حکومت یا گروه های معارض بر احتمال موفقیت در حفظ قدرت یا قبضه ان تاثیر می گذارد. (تیلی، ۱۳۸۵، ۵۲-۴) بنابراین کشمکش قدرت میان قدرت متمرکز و گروه های مدعی قدرت، شکل جمعی و همراه با منافع بوده و روند منازعه قدرت، بسته به مقدار منابعی است که ذخیره یا تدارک دیده می شود. در این وضعیت گروه های اجتماعی و مدعی

قدرت می توانند با سازماندهی و بسیج منابع، مردم را در مقابل گزینش های متنوع و مختلف به درون منازعه بکشانند.

بنابر آنچه آمد، در دو دهه اخیر (۷۶-۹۶) در ایران و در چارچوب مشارکت سیاسی و انتخاباتی، رهبران و هدایتگران گفتارهای سیاسی اصلاحات، عدالت خواهی، اعتدال گرایی یا تعادل سیاسی، به عنوان یکی از ابزارها و شیوه های بسیج منابع سیاسی تاثیر گذار بوده اند. رهبران بسیج منابع با شعار هایی همچون توسعه سیاسی، جامعه مدنی، دموکراسی، عدالت خواهی، تعادل سیاسی، و با تکیه بر طبقه متوسط جدید و قانون اساسی به ایفای نقش پرداخته اند. این رهبران هدایت گر تحت تاثیر رویدادهای داخلی و برآورد های اوضاع جهانی به تصمیم گیری و تصمیم سازی پرداخته اند. و اساساً چرایی بحث در مورد رهبران کنش جمعی، برخاسته از شرایط اجتماعی ایران است که در آن رویداد های داخلی و خارجی در شکل گیری گفتمانی آنها تاثیر گذار بوده است. برای شناسایی خرده گفتمان های برآمده از اسلام سیاسی، طبقه متوسط جدید و رهبران مرتبط با آن در کنش جمعی دارای اهمیت می باشند، چرا که این طبقه منشا بسیاری از تحولات سیاسی و اجتماعی با توجه به شکاف سنت و مدرنیته بوده است. طبقه متوسط جدید با توجه به همبستگی درونی که میان خود و دیگر طبقات اجتماعی داشته است به یک جریان فعال و کارآمد تبدیل شده و راه بسیج گری کنش جمعی را هموار نموده است. این طبقه با گفتمان اصلاحات پا در عرصه سیاسی و اجتماعی گذاشت. و در پروسه و بیان گفتمانی آن، مفاهیمی همچون توسعه سیاسی، آزادی، قانون گرایی، و جامعه مدنی دیده می شد. هدایت گران و رهبران اصلاحات با نام روحانیونی چون محمد خاتمی (تکیه بر جامعه مدنی دینی و دفاع از حق انان از طرف حکومت و نهادینه کردن قانون اساسی) (۱۶، ۹، ۱۳۷۷، ۱۵، ۱۲، ۱۳۷۵) سید محمد موسوی بجنوردی (نقش مستقیم مردم در مشروعیت بخشی به حکومت، ۱۳۸۰ ص ۴۵۷) و سید محمد موسوی خوینینی ها گره خورده بود، که اصلاحات را محقق ساختن بخش های معطل مانده در قانون اساسی می دانستند و اهداف اصلاحات را با تکیه بر طبقه متوسط جدید به پیش می بردند. سعید حجاریان نیز از وابستگان فکری اصلاحات بر این نکته معتقد بود که با رشد شهرها و صنعتی شدن و با پیدایش علوم و فنون پیشرفته و گسترش نظام اقتصادی، مفهوم جامعه مدنی در مقابل مجتمع های خویشاوندی گذشته مطرح شد (حجاریان، ۱۳۷۹، ۵۷) بنابراین، آنچه از گفتار سیاسی رهبران اصلاحات می توان برداشت نمود، پایبندی به نظام سیاسی، قانون

اساسی و حفظ و تداوم آن در یک جامعه مدنی و همراه با توسعه سیاسی و اراده مردمی بود، که تکرار این رهبری فکری در مشارکت سیاسی و انتخاباتی ۱۳۸۸ و ۱۳۹۲ و ۱۳۹۶ نیز با رنگ و بوی دیگری قابل برداشت بود.

۶. عناصر برون سازمانی بسیج منابع طبقه متوسط جدید

بسیج منابع در نظریه جارلز تیلی، علاوه بر عوامل درون سازمانی (منافع، سازمان و بسیج منابع) متأثر از متغیرهای برون سازمانی یا کنش جمعی مانند سرکوب / تسهیل، قدرت و فرصت / تهدید است (تیلی، ۱۳۸۵، ۱۷۰، ۱۶۰) بنابراین در مقوله فرصت / تهدید در دو دهه اخیر (۹۶-۷۶)، کنش جمعی در قالب مشارکت انتخاباتی، در شرایطی رخ داد که فرصت‌های مناسبی برای تحقق منافع، خواسته‌ها و مطالبات طبقه متوسط جدید (مشارکت‌کنندگان اصلی توسعه سیاسی) از جمله جامعه مدنی، آزادی، دموکراسی، مشارکت سیاسی و آزادی رسانه‌ای و عدالتخواهی بوجود آمده بود. منظور از فرصت، حاصل شدن وضعیتی است که گروه‌های مدعی قدرت مبتنی بر آن وضعیت، شرایط مهیا را برای تحقق منافع خود، مناسب ارزیابی نمایند. (تیلی، ۱۳۸۵، ۱۱۲، ۱۹۶) مجموعه حوادث و اقدامات داخلی در کشور، بوجود آورنده وضعیتی است که هسته‌های بسیج‌گر، آن شرایط را به عنوان فرصتی مناسب تلقی می‌نمایند، که تا قبل از آن، چنین وضعیتی برای آنان متصور نبود. اما با ظهور و بروز طبقه متوسط جدید، ایجاد مراکز دانشگاهی متعدد، افزایش کمیّت و کیفیت دانشگاه‌ها، باز شدن فضای سیاسی و اجتماعی، مسائل حاد اقتصادی و نارضایتی اقشار تحصیل‌کرده از توزیع قدرت اجتماعی و سیاسی، فرصتی تاریخی برای قشر طبقه متوسط جدید فراهم نمود که آنان در اولویت مرحله بسیج‌گری خود، از طریق روزنامه و رسانه‌های همگانی و مهیا کردن جو فکری از آن بخوبی استفاده نمایند. اما در مقوله سرکوب / تسهیل نیز، رقابت برای کسب قدرت، همواره در برگیرنده گروه‌های مدعی قدرت و رقیب است، و رفتار طرف دوم، دامنه‌ای از سرکوب تا تسهیل را در برمیگیرد، که هزینه کنش جمعی را افزایش یا کاهش می‌دهد (تیلی، ۱۳۸۵، ۱۷۱) در کنش جمعی طبقه متوسط جدید در جهت کسب و توزیع قدرت در پرتو انتخابات، واکنش حاکمیت در مقابل بسیج‌گری در کنش جمعی، در پیگیری مطالبات و خواسته‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آمیزه‌ای از سرکوب / تسهیل بود، بطوریکه واکنش‌هایی از

خود نشان می داد که هزینه های کنش جمعی و اجتماعی و بسیج گری را کاهش دهد و در برخی موارد نیز هزینه ها را افزایش می داد.

۷. نتیجه گیری

در این مقاله تلاش گردید که چگونگی اثر گذاری طبقه متوسط جدید بر روند بسیج منابع رای دهی در ایران (۷۶-۹۶) با استفاده از مدل نظری چارلز تیلی و روش تاریخی به نوشتار در آید. از آنجا که کنش جمعی در مشارکت انتخاباتی از جمله تحولات جامعه شناختی تاریخی محسوب می شود. بنابراین سعی بر آن شد، که چگونگی شکل گیری و ظهور گروه مدعی قدرت (طبقه متوسط جدید) در کنش جمعی مورد شناسایی قرار گیرد. با مرور تاریخی نشان داده شد که طبقه متوسط جدید به عنوان گروه مدعی قدرت، مرکز ثقل تحولات سیاسی، و تحرک بخش حرکت های مدنی از مشروطه تا کنون بوده است. طبقه متوسط جدید در پرتو گسترش نظام آموزشی، رشد شهر نشینی و رشد رسانه های جمعی به عنوان طبقه ای وزین و اثر گذار در امر مشارکت سیاسی شناخته می شود. بنابراین با دگرگون شدن موقعیت های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در اثر نوسازی و دولت سازی در دو دهه اخیر (۷۶-۹۶) به عنوان گروه منازعه گر در بستر اجتماعی مطرح گردید، و منافع خود را در قالب خواسته ها و مطالبات (جامعه مدنی، توسعه سیاسی، و دموکراسی) در راه کسب قدرت یا سهیم شدن در قدرت دنبال نمود. بنابراین یافته های تحقیق نشان می دهد که طبقه متوسط جدید با کنش جمعی و بسیج منابع انسانی و ایدئولوژی و استفاده از ابزارها و شیوه هایی همچون رسانه های جمعی، احزاب و تشکل های سیاسی، و رهبران گفتمانی به عنوان عوامل انگیزشی، منابع اجتماعی و عوامل بسیج گر در تشویق شهروندان به مشارکت سیاسی و انتخاباتی دخیل بوده است. در همین روند رسانه های جمعی به عنوان یکی از ابزارهای بسیج منابع، کانال ارتباطی شهروندان در امر مشارکت، اطلاع رسانی، آگاهی بخشی، و نشر افکار و ایده ها نقش مهمی را بازی نموده است. به عبارت دیگر، طبقه متوسط جدید در پرتو رسانه ها ایده ها و برنامه های و منافع خود را متوجه اعتماد شهروندان نموده است. بنابراین وسایل ارتباط جمعی اعم از دیداری و شنیداری (رادیو، تلویزیون، اینترنت، تلفن همراه، روزنامه و مطبوعات و.....) نسبت به گذشته رشد چشمگیری داشته و فرصتی را برای طبقه متوسط جدید فراهم نمود که ایده های دموکراتیک خود را در بستر اجتماعی عملیاتی نماید.

از نگاه دیگر، احزاب و تشکل‌های سیاسی، ابزار دیگری در بسیج منابع طبقه متوسط جدید به شمار می‌رفت که ارتباط تنگاتنگی با سیاست و مشارکت سیاسی داشت. احزاب سیاسی و تشکل‌های سیاسی فرصت‌هایی را در اختیار صاحبان قدرت یا مدعیان قدرت قرار می‌دهند که گرایش‌های فکری فردی را به سمت گرایش‌های جمعی و عمومی بکشاند. با ظهور طبقه متوسط جدید در ایران پس از انقلاب، ایدئولوژی‌ها و خرده‌گفتمان‌های سیاسی، صورت‌بندی تازه‌ای یافت که در درون اسلام سیاسی خود را در قالب نگرش‌هایی چون اصلاح طلب، اصول‌گرا، اعتدال‌گرا نشان دادند. احزاب سیاسی در این برهه زمانی به صورت فصلی و هدایت‌شده از طریق افراد صاحب نفوذ و صاحب منصب در بستر اجتماعی ظاهر گشتند و در واقع فرصت‌های سیاسی از بالا به پایین بودند که صاحبان قدرت، نقش بسیج‌گر و ثبات‌دهنده و مشروعیت‌بخش به نظام سیاسی تلقی می‌شدند. علاوه بر احزاب و رسانه‌های جمعی، رهبران گفتمان نیز به عنوان ابزاری در جهت بسیج منابع در بستر اجتماعی شناخته می‌شدند، چرا که بسیج منابع و بسیج سیاسی نیازمند رهبری سیاسی است و رهبری سیاسی تعیین‌کننده اهداف کنش جمعی و مشارکت سیاسی محسوب می‌شدند. این رهبران، وضع مطلوب را بررسی و ترسیم و وضع موجود را تحلیل کرده و هواداران خود را در جهت امید به آینده امیدوار می‌نمودند. بنابر این، آنچه ظهور رهبران کنشگر و بسیجگر را به یک امر ضروری تبدیل می‌نمود، پیدایش فرصت‌های سیاسی و اجتماعی است که در پرتو آن رهبران بتوانند توده‌های زیرمجموعه خود را تحریک به عمل یا کردار اجتماعی نمایند.

کتاب‌نامه

- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۷۸)، احزاب، ثبات سیاسی، امنیت ملی، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره چهارم
- ادیبی، حسین (۱۳۵۸)، طبقه متوسط جدید در ایران، تهران، انتشارات دانشکده علوم اجتماعی و تعاون، دانشگاه تهران
- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۵)، درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران، تهران، نشر قومس
- بدیع، برتران (۱۳۷۹)، توسعه سیاسی، ترجمه احمد نقیب‌زاده، تهران، نشر قومس
- بشیریه، حسین (۱۳۸۲)، دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران، چاپ دوم، تهران، نشر نگاه معاصر

- بشیریه، حسین (۱۳۷۴)، جامعه شناسی نقش نیرو های اجتماعی و زندگی سیاسی، تهران، نشر نی
- پناهی، محمدحسین (۱۳۸۹)، نظریه های انقلاب، وقوع، فرایند و پیامد ها، تهران، سمت،
- پیمان، حبیب الله (۱۳۸۰)، جامعه مدنی و اندیشه دینی، مجله آفتاب شماره ۱۳
- پیمان، حبیب (۱۳۸۴)، عدالت بدون آزادی، نتیجه آزادی بدون عدالت، مجله نامه، شماره ۳۹ نیمه تیر ماه
- تیلی، چارلز (۱۳۸۵) از بسیج تا انقلاب، ترجمه علی مرشدی زاده، تهران، پژوهشکده امام خمینی (ره)
- جلایی پور، حمید رضا (۱۳۸۳)، ارجاع تاملات نظری در مورد دموکراسی در ایران کنونی، تهران، نامه علوم اجتماعی، ش ۲۳، خرداد ۱۳۸۳،
- حجاریان، سعید (۱۳۷۹) الف، جامعه مدنی و دولت دینی، مجله فرهنگ توسعه، شماره ۴۴-۴۶، سال نهم، ص ۵۷
- خاتمی محمد (۱۳۷۶-۱۳۷۷)، سخنرانی در افتتاحیه کنفرانس اسلامی، ۱۳۷۶/۹/۱۸ سخنرانی روز دانشجو، ۱۳۷۷/۱۶/۹
- خواجه سروی، غلامرضا (۱۳۸۲)، رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- دادگران، محمد (۱۳۷۴)، مبانی ارتباطات جمعی، تهران، انتشارات فیروزه
- دارابی، علی (۱۳۸۸) بنیان های نظری رفتار انتخاباتی شهروندان در جمهوری اسلامی، فصلنامه پژوهش های ارتباطی، سال ۱۶، بهار، ش ۱۰، پیاپی ۵۷
- روشندل اربطانی، طاهر، فرجیان، محمدمهدی، سلمانی زاده (۱۳۹۴)، آینده پژوهی ارتباطات سازمانی با ورود تکنولوژی شبکه های اجتماعی، کنفرانس بین المللی روابط عمومی
- سالنامه اماری یونسکو (۱۹۹۹) سازمان چاپ و انتشارات فرهنگ اسلامی
- سروش عبدالکریم (۱۳۷۷)، جامعه مدنی و ایران امروز (مجموعه مقالات)، تهران، انتشارات نقش و نگار
- شهرام نیا، امیر مسعود، و همکاران (۱۳۹۶) سنجش تاثیر شبکه های اجتماعی بر مشارکت سیاسی: مطالعات موردی دانشجویان دانشگاه مازندران، جامعه شناسی کاربردی، سال ۲۸، ش پیاپی ۶۵، بهار، شماره اول
- شهریاری، حیدر (۱۳۹۳)، تحول طبقه متوسط جدید و روند توسعه مردم سالاری در ایران پس از انقلاب، رساله دکتری، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

طبقه متوسط جدید و بسیج منابع رای‌دهی در ایران (۱۳۹۶-۱۳۷۶) ۲۷

شیخ الاسلامی، محمد حسن، عسگریان، محسن (۱۳۸۸)، سازه انگاری، رسانه و رفتار انتخاباتی در ایران، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، سال شانزدهم، ش ۱، بهار، پیاپی ۵۷
عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۸)، تاریخ فلسفه سیاسی غرب، (عصر جدید و سده نوزدهم) چاپ دوازدهم، تهران، وزارت امور خارجه

عنایتی شبکلائی، علی (۱۳۹۲)، معرفی کتاب، رفتار انتخاباتی در ایران، "الگوها و نظریه‌ها" چاپ پنجم، نوشته علی دارابی، فصلنامه مطالعات انتخاباتی، سال دوم، بهار، شماره ۳
قیصری، نورالله، و دیگران (۱۳۹۶)، انتخابات ریاست جمهوری در ایران: الگویی نظری برای تبیین پیروزی یک کاندیدا بر سایر رقبای، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال ششم، شماره ۲۱، تابستان ۹۶

کشاورز شکری، فرهادی، احسان، مرشدزاده، علی (۱۳۹۳)، تحلیل مقایسه‌ای منابع در انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی ایران، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، سال ۱۶، شه ۱۰، بهار، پیاپی ۵۷
کشاورز شکری، عباس، فرهادی، احسان (۱۳۹۰)، بسیج منابع در انقلاب اسلامی، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، دوره ۱، ش ۱، زمستان ۱۳۹۰

محسنی، منوچهر (۱۳۸۹)، "بررسی آگاهی‌ها و نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی فرهنگی در ایران، تهران، دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی نیاکوبی، امیر (۱۳۸۸)، بررسی علل جامعه‌شناختی ناکامی جنبش دوم خرداد، رساله دکتری علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران

مرکز آمار ایران (۱۳۸۶-۱۳۹۵) سالنامه آماری کشوری

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۱)، در امدی نظری بر جنبش‌های اجتماعی، تهران، پژوهشکده امام خمینی (ره) مک‌لین، ایان (۱۳۸۱)، فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد"، ترجمه حمید احمدی، تهران
مهاجرنیا (۱۳۸۳)، طبقه متوسط جدید در ایران"، ماهنامه زمانه، ش ۲۴، شهریور ۱۳۸۳
موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۸۰)، مقالات فقهی، حقوقی، فلسفی و اجتماعی، جلد اول، تهران، انتشارات پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی
هانتیگتون، ساموئل (۱۳۷۵)، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علم

Obrschall, A (1973) social conflict and social movements Englewood cliffs, Nj,
prentice-hall